الله عزوجل نازل فرمودند: {وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِكَ هُمِ الْكَافِرُونَ}

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که فرمود: الله عزوجل نازل فرمودند: {وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِكَ هُمِ الْكَافِرُونَ} [المائدة: 44] وَ {فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ} [المائدة: 45] وَ {فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ} [المائدة: 47]، «و هر کس به آنچه الله نازل کرده حکم نکند، پس آنان کافرانند» و «پس آنان ستمکارانند» و «پس آنان فاسقانند»، ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: الله متعال این آیات را درباره دو طایفه از یهود نازل کرد، یکی از آن دو طایفه در دوران جاهلیت بر دیگری چیره شده بود، تا آنکه به این صلحنامه رضایت دادند: هر کشته‌ای که طایفه قدرتمند از طایفه ضعیف تر بکشد، دیت او پنجاه وسق است، و هر کشته‌ای که طایفه ضعیف تر از طایفه قدرتمند بکشد، دیت او صد وسق است، آنان بر این اساس عمل می‌کردند تا اینکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه آمدند، هر دو طایفه به دلیل ورود رسول الله صلی الله علیه وسلم خوار شده بودند، در حالی که ایشان هنوز کاملاً ظهور نکرده و بر آنان تسلط نیافته بودند و در حالت صلح به سر می‌بردند، در این هنگام، طایفه ضعیف تر فردی از طایفه قدرتمند را کشت، طایفه قدرتمند به طایفه ضعیف تر پیغام فرستاد: صد وسق برای ما بفرستید، طایفه ضعیف تر گفت: آیا تا به حال در دو قبیله که دین و نسب و سرزمین شان یکی است، دیه یکی نصف دیت دیگری بوده؟ ما این را تنها به دلیل ستم شما و ترس از شما می‌پرداختیم، اما اکنون که محمد صلی الله علیه وسلم آمده است، چنین چیزی به شما نمی‌دهیم، نزدیک بود جنگ بین آنان شعله ور شود، سپس توافق کردند که رسول الله صلی الله علیه وسلم را داور قرار دهند، طایفه قدرتمند (با بی‌اعتمادی) گفت: «به الله سوگند، محمد هرگز دو برابر آنچه به شما می‌دهد به ما نخواهد داد»، راست گفتند؛ آنان این شرط را تنها به دلیل ستم و سلطه‌گری خود تحمیل کرده بودند. سپس افرادی را پنهانی نزد محمد فرستادند تا نظر ایشان را جویا شوند؛ که اگر آنچه می‌خواهید به شما داد، او را داور قرار دهید وگرنه از او بترسید و داورش نکنید. گروهی از منافقان را پنهانی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستادند تا نظر ایشان را برایشان گزارش کنند، وقتی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند، الله متعال پیامبرش را از تمامی نیات و نقشه‌هایشان آگاه کرد، آنگاه الله عزوجل نازل فرمود: «ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند...» تا آنجا که می‌فرماید: «و هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، پس آنان فاسقانند»، سپس ابن عباس گفت: به الله سوگند این آیات درباره آن دو طایفه نازل شد و مقصود الله عزوجل آنان بودند.

[حسن] [احمد روایت کرده]

در مدینه منوره، دو طایفۀ یهود به نامهای بنی‌قریظه و بنی‌نضیر ساکن بودند، یکی از این دو طایفه در دوران جاهلیت بر دیگری چیره شده و آن را تحت سلطه گرفته بود، سرانجام آن دو به این سازش رضایت دادند که هرگاه طایفۀ قدرتمند (عزیز) فردی از طایفۀ زیردست (ذلیل) را به قتل می‌رساند، دیت او تنها پنجاه وسق باشد؛ اما اگر طایفۀ زیردست فردی از طایفۀ قدرتمند را می‌کشت، دیت باید دو برابر یعنی صد وسق پرداخت شود، هر وسق معادل شصت صاع است. آنان بر این قاعده پایدار بودند تا هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم به مدینه منوره هجرت فرمودند، با ورود ایشان، هر دو طایفه (یهودی) در برابر قدوم مبارکشان خاضع گردیدند، در آن زمان، پیامبر هنوز بر دشمنانش پیروز نشده بود و آنان را به اطاعت وادار نکرده بود؛ چرا که این رویداد در اوایل هجرت و در دوران صلح رخ داد. طایفۀ زیردست (ذلیله) فردی از طایفۀ قدرتمند (عزیزه) را به قتل رساند، طایفۀ قدرتمند به طایفۀ زیردست پیغام فرستاد: مطابق قرارداد، صد وسق برای ما بفرستید، طایفۀ زیردست پاسخ داد: آیا هرگز در دو قبیله که دین و نسب و سرزمین شان یکی است، دیۀ یکی نصف دیۀ دیگری بوده؟! ما این قرارداد را تنها به دلیل ستم و سلطه‌گری شما و از ترستان پذیرفتیم؛ اما اکنون که محمد صلی الله علیه وسلم آمده، هرگز چنین چیزی به شما پرداخت نخواهیم کرد. نزدیک بود جنگ میان آن دو طایفه شعله ور شود، اما سرانجام به این توافق رسیدند که

رسول الله صلی الله علیه وسلم را به عنوان داور میان خود برگزینند، در این هنگام طایفۀ قدرتمند (عزیزه) با تأمل گفت: به الله سوگند، محمد هرگز دو برابر آنچه به آنان می‌دهد به شما نخواهد داد، راست گفتند؛ آنان این شرط را تنها به دلیل ستم و سلطه‌گری ما پذیرفتند، سپس پنهانی افرادی را نزد پیامبر فرستادند تا نظر ایشان را جویا شوند؛ بدین شرط که اگر آنچه می‌خواهید به شما داد، او را داور قرار دهید و اگر خواستۀ شما را برآورده نکرد، از حکمیت او صرف‌نظر کنید. آنان پنهانی گروهی از منافقان را نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرستادند تا نظر ایشان را جویا شوند. هنگامی که نزد پیامبر آمدند، الله متعال وحی نازل فرمود و پیامبرش را از تمامی نیات و نقشه‌های پنهانی آنان آگاه ساخت، آنگاه الله عزوجل در سورۀ مائده آیات از جمله «ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می‌ورزند از کسانی که [به زبان] گفتند ایمان آوردیم، تو را غمگین نسازد» [مائده: ۴۱] را نازل فرمودند. تا آنجا که می‌فرماید: {وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللهُ فَأُولَئِكَ هُمِ الْفَاسِقُونَ}، «و هر کس به آنچه خدا نازل کرده حکم نکند، آنان همان فاسقانند» [مائده: ۴۷]. سپس ابن عباس رضی الله عنهما فرمود: «به الله سوگند، آیۀ "و هر کس به آنچه الله نازل کرده حکم نکند، آنان همان کافرانند" [مائده: ۴۴] دربارۀ این دو طایفه (یهود) نازل شده است». و «...پس آنان همان ستمکارانند» [مائده: ۴۵] و «...پس آنان همان فاسقانند» [مائده: ۴۷]؛ و مقصود الله عزوجل دقیقاً همین دو طایفه (یهود) بوده است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/prs/show/65300